

## تغییرات نقش زن در جامعه و تلویزیون

اعظم، راودراد\*

### چکیده

در این مقاله با مقایسه سریال‌های ایرانی تولید شده در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸ بازآفرینی تلویزیونی نقش زن و تغییرات آن، با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا، مورد بررسی قرار گرفته است. این بررسی که از لحاظ تلوریک در حوزه جامعه‌شناسی هنر و رسانه قرار می‌گیرد نشان می‌دهد که سریال‌های تلویزیونی به عنوان هنر چگونه هم از جامعه معاصر خود تأثیر گرفته و بنابراین ویژگی‌های آن را به تصویر می‌کشند، و هم با فراتر رفتن از واقعیت‌ها و ارائه شکلی آرمانی از پدیده‌ها سعی در تأثیرگذاری بر جامعه را دارند. مهم‌ترین یافته این تحقیق این است که بازتاب تلویزیونی نقش زن در طول دوره مورد بررسی تغییر کرده و این تغییر نه فقط ناشی از تغییر در واقعیت و وضعیت موجود، بلکه همچنین ناشی از تغییر در نظر فرهنگ‌سازان جامعه درباره زنان است. این تغییرات موجب شده است که چهره زن در سریال‌های تلویزیونی ایرانی نمایش داده شده در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۴ کاملاً متفاوت باشد.

### کلید واژه

تلویزیون / جامعه‌شناسی هنر / نقش زنان.

\* دارای دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه وسترن سیدنی استرالیا با گرایش هنر، استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و مدیر گروه ارتباطات.

e-mail address: Ravadrad @ chamran. Ut. ac. ir

## مقدمه

هدف این مقاله مطالعه تغییرات نقش زن در جامعه، به ترتیب ارائه شده، در سریال‌های تلویزیونی سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸ است. از آنجا که تلویزیون، بازتاب افکار عمومی و سیاست‌های فرهنگی کلان جامعه است و دو نقش عمده اطلاع‌رسانی، و هدایت و رهبری فکری جامعه را بر عهده دارد، می‌تواند به عنوان منبع مطمئنی برای مطالعات جامعه‌شناختی به کار رود. اگرچه آنچه در تلویزیون ارائه می‌گردد لزوماً مطابق با واقعیت نیست و به واسطه بعد هنری ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فردی دارد، اما با موشکافی و بررسی عمیق می‌توان به وجود رابطه میان واقعیت و فیلم‌های تلویزیونی پی برد و آن را تبیین نمود.

امروز در سطح دنیا شاهد تغییراتی در نقش‌های خانوادگی زنان و مردان هستیم که یکی از مهمترین عوامل این تغییر نقش اشتغال زن است (ساروخانی، ۱۳۷۵؛ کوئن ۱۳۷۵). اشتغال زن و حضور وی در سطح جامعه از طرفی از میزان حضور وی در خانواده کاسته و از طرف دیگر کیفیت این حضور نیز دستخوش تغییر شده است. نقش اشتغال زن و اهمیت آن برخی محققان را بر آن داشته است تا پیشنهاداتی در جهت تغییر نقش‌های خانوادگی زن و مرد ارائه دهند با این امید که بتوانند مانع بروز مشکلات ناشی از این تغییر در خانواده شوند.

«بازبینی تقسیم کار در خانه در لوای اشتغال (گاه تمام وقت) زنان ضروری است. چه در غیراین صورت زن امروز با به دوش کشیدن بارگران کار در خارج از خانه ناچار است همچنین بار سنگین وظایف سنتی خانه‌داری را نیز تحمل کند. ارزش‌دهی به کارهای خانگی از پدیده‌های ضروری عصر ماست. دیگر نباید هیچ کاری در خانه پست و مادون شأن مرد تلقی شود. بالعکس در یک خانواده عقلایی هرآنچه ضروری است ارزش‌پذیر نیز هست و در صورت امکان باید با همکاری دو شریک زندگی صورت تحقق پذیرد.» (ساروخانی، ۱۳۷۵، ۱۸۸)

تقسیم مجدد کار در خانه میان زن و مرد و همچنین افزایش نقش‌های خانوادگی مرد در خانواده‌هایی که زن در آنها شاغل است، عملاً صورت گرفته که با مشاهده این تغییرات به خوبی می‌توان تغییرات ساختار خانواده و نقش زن را در آن تبیین نمود.

## روش پژوهش:

روش تحقیق سریال‌ها مشاهده تقسیم و استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کمی است که در مواردی با تحلیل محتوای کیفی تکمیل شده است. از آنجایی که تلویزیون به طور بالقوه مورد استفاده اکثریت مردم جامعه است و فاصله میان تولید و پخش سریال‌های تلویزیونی نیز اغلب ناچیز است، می‌توان این سریال‌ها را از نظر معرف بودن، آیینه تمام‌نمای جامعه معاصر خودشان قلمداد کرد. در واقع می‌توان فیلم را مجموعه‌ای از اطلاعات در نظر گرفت که با رمزگشایی و درک زبان آن می‌توان به آنها دست یافت و از این طریق به ویژگی‌ها و خصوصیات جامعه معاصر فیلم پی برد.

نمونه‌های این نوع نگاه را می‌توان در برخی از نقدهای سینمایی که در پی یافتن ویژگی‌های مشترک در فیلم و ساختار اجتماعی هستند مشاهده کرد. زیگموند کراکاوئر (Kracauer) در کتاب از «کالیگاری تا هیتلر»، فیلم‌های آلمانی سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ را تجزیه و تحلیل کرده و نتیجه می‌گیرد «تمایلاتی که منجر به پذیرش نازیسم در آلمان شد در فیلم‌های این دوره منعکس است، یا برخی معتقدند که سرخوردگی ناشی از دو جنگ جهانی و از بین رفتن ارزش‌های سنتی موجب ظهور موجی از فیلم‌های تخیلی دهه‌های پنجاه و هفتاد شد. (جینکز، ۱۳۶۴)

از طرف دیگر با مطالعه فیلم‌ها می‌توان به موضوعات ویژه فرهنگ‌های مختلف نیز توجه کرد. مثلاً می‌شود نقش سیاه‌پوستان در فیلم‌های آمریکایی را بررسی و با انتخاب چند فیلم نمونه از یک دوره خاص که در آن سیاه‌پوستان به تصویر کشیده شده‌اند، نگرشی نسبتاً واقع‌گرایانه از زندگی سیاه‌پوستان آمریکا در آن دوره خاص را به دست آورد. در مورد موضوعاتی چون نگرش مذهبی مردم، مسائل جنسی و اخلاقیات نیز می‌توان در فیلم‌های یک دوره زمانی اطلاعات جالبی به دست آورد و تغییرات را به خوبی مشاهده کرد (جینکز، ۱۳۶۴).

در جامعه‌شناسی سینما رابطه میان فیلم و جامعه رابطه پیچیده‌ای است که با تحلیل و بررسی عمیق فیلم می‌توان آن را تبیین نمود. اما از بُعد عوامل اجتماعی چون میان نوع و حجم خانواده و نقش زن و مرد و فرزندان در خانواده و مسائلی چون اشتغال و تحصیل زن و تأثیر آن بر همکاری عملی مردان در امور منزل روابط روشنی وجود دارد می‌توان

آن را مورد بررسی قرار داد.

همان طور که جاروی (۱۹۹۹) می‌گوید بهترین راه برای شناخت جامعه، مطالعه محصولات هنری آن برای مصرف داخلی است. محصولات از جمله فیلم‌های تلویزیونی، اگرچه ممکن است بازتاب مستقیمی از شرایط جامعه نباشد، ولی سرنخ‌های لازم را به خوبی به دست می‌دهد. باتوجه به اینکه ساخت خانواده ایرانی در طول تاریخ حیات خود دستخوش تغییرات و تحولات مهمی شده است، بررسی ویژگی‌های امروز آن که در فیلم‌های تلویزیونی منعکس شده می‌تواند نشان‌دهنده یکی از مقاطع مهم در این تحولات باشد.

اگرچه سریال‌های تلویزیونی معرف جامعه زمان خود هستند، اما ضروری است که این معرف بودن از دو نظر مورد توجه قرار گیرند. اول از نظر معرفی جامعه و شناساندن خصوصیات و ویژگی‌های آن، یا به عبارت دیگر نشان دادن وضعیت موجود. دوم از نظر ارائه طریق و راه‌حلی جهت بهبود وضعیت جامعه و حرکت آن به سوی بهروزی و یا به عبارت دیگر معرفی وضعیت مطلوب. باتوجه به این تفاوت می‌توان سریال‌های تلویزیونی را معرف جامعه دانست که با مطالعه علمی آنها می‌توان به ویژگی‌های جامعه و در اینجا ویژگی‌های خانواده و نقش‌های زن و مرد در خانواده و تغییرات این نقش‌ها پی برد.

تضاد عمیق میان موضوع و نحوه پرداخت آن در سریال‌های داخلی کشورهای مختلف، و مقایسه آنها خود دلیل دیگری است بر اینکه ویژگی‌های خاص هر جامعه در فیلم‌های تلویزیونی و تولیدات داخلی آنها خواه ناخواه انعکاس می‌یابد. در مقاله حاضر سریال‌های ایرانی ارائه شده در ماه‌های آذر، دی و بهمن سال ۱۳۷۸ مورد بررسی کیفی و محتوایی قرار گرفته‌اند و سعی شده که رابطه‌های آشکار و پنهان میان فیلم و جامعه در بُعد خانواده و نقش زن در آن تشریح شود.

در این رابطه به چند مفهوم اساسی اشاره شده که لازم است ابتدا نسبت به تعریف آنها توافق حاصل شود. این مفاهیم عبارتند از نقش اجتماعی، میزان فعالیت، میزان باسواد و میزان تحصیلات عالی.

● نقش اجتماعی: «شامل رفتار، کردار و یا کار و وظیفه‌ای است که یک شخص در داخل یک گروه به عهده می‌گیرد. نقش را هم به عنوان نوع رفتار اجتماعی یک فرد که بر طبق الگوهای کلی اجتماعی و فرهنگی گروه صورت می‌گیرد و همچنین نحوه پاسخ به انتظار دیگران، تعریف می‌کنند. بنابراین، برای یک فرد، نقش اجتماعی تنسيق تعدادی از مدل‌های رفتاری است که در تعامل با یکدیگر و بر محور یک کارکرد اجتماعی گرد می‌آیند. لیکن نقش را همچون مجموع مدل‌های فرهنگی مرتبط با یک پایگاه معین و در نتیجه در برگیرنده طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها و رفتارهایی که جامعه برای یک فرد و یا تمامی افرادی که پایگاهی را احراز کرده‌اند، تعریف می‌کند» (بیرو، ۱۳۶۷، ۱۳۷۷). در تحقیق حاضر نقش زن در جامعه واقعی و نقش زن در سریال، مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد.

از میان شاخص‌های نقش زنان سه شاخص کمی زیر به علت قابلیت مقایسه آنها با آمارهای واقعی انتخاب شده‌اند.

● میزان فعالیت: این میزان با تقسیم افراد فعال جامعه آماری بر کل افراد در سن فعالیت ضرب در ۱۰۰ به دست می‌آید. در مورد آمار واقعی از آمارهای سرشماری برای محاسبه استفاده شده است. اما در مورد سریال‌ها، که از هر یک به طور نمونه یک نوار سه ساعته پر شده، این میزان با تقسیم تعداد زنان فعال بر تعداد کل زنان مشاهده شده در فیلم محاسبه شده است.

● میزان باسوادی: میزان باسوادی نیز، در هر دو جامعه (واقعی و سریالی) از تقسیم تعداد زنان باسواد بر تعداد کل زنان ضرب در ۱۰۰ محاسبه شده است.

● میزان تحصیلات عالی: این شاخص نیز در هر دو جامعه آماری با تقسیم تعداد زنان با تحصیلات عالی بر کل زنان باسواد ضرب در ۱۰۰ محاسبه شده است. لازم به توضیح است که در مورد سریال‌های تلویزیونی همواره تشخیص وضعیت فعالیت و تحصیلات نقش‌ها به سادگی امکان‌پذیر نیست. در این تحقیق در مورد زنانی که مستقیماً وضعیت نقش و فعالیت آنها مشخص نیست با استفاده از قرائن و شواهدی از خود سریال (در صورتی که می‌شد حدس قوی زد) تصمیم‌گیری شده است. اما در مورد زنانی که به هر حال فعالیت روشنی نداشته و قرائن و شواهد هم کمکی به گمانه‌زنی وضعیت آنها

نمی‌کرده است به عنوان نامشخص شمارش شده‌اند و در نتیجه از صورت و مخرج کسر کم شده‌اند تا تأثیر منفی بر محاسبات آماری نداشته باشند.

#### سریال‌های تلویزیونی مورد استفاده:

در محدوده زمانی بررسی تعداد ۱۷ سریال در هفته و در ساعات مختلف شبانه روز از پنج شبکه تلویزیون در حال پخش بود. از این میان هشت سریال به طور مشخص خانوادگی بود و به همین دلیل نیز نقش زن در آنها مشخص‌تر و از نظر میزان بیشتر بود. در این هشت سریال نقش اول یا حداقل یکی از نقش‌های مهم آن بر عهده زن بوده است. به عنوان یک مطالعه مقدماتی پنج سریال خانوادگی انتخاب و از هر کدام، یک نوار سه ساعته ضبط شد. از آنجا که سریال‌ها معمولاً ۴۵ دقیقه‌ای هستند، می‌توان گفت حدوداً سه یا چهار قسمت از هر سریال ضبط شده است. سپس بر روی نوارهای ضبط شده مطالعه و متولانی چون نقش‌های زن و مجموع زمان حضور وی در فیلم به تفکیک زمان حضور در خانواده و محیط اجتماعی (شغلی و تحصیلی) مورد بررسی و محاسبه قرار گرفت. همچنین خصوصیات اخلاقی و شخصیتی زنان نقش اول یا دوم نیز ثبت گردید. ضمناً برای مشاهده تغییرات، به بررسی‌هایی که در گذشته روی سریال‌های تلویزیونی انجام شده بود مراجعه و در زمینه‌های مشترک مقایسه‌هایی صورت گرفته که در ادامه توضیح داده خواهد شد. عنوان و سال پخش سریال‌های مقایسه شده در جدول شماره یک آمده است:

جدول شماره ۱: عنوان و سال پخش سریال‌های مورد بررسی

سال پخش	عنوان سریال	زمان تحقیق
۱۳۷۸	پدرخوانده	بررسی حاضر
"	داستان یک شهر	
"	تنها در تاریکی	
"	بگذار آفتاب برآید	
"	روزهای زندگی	
۱۳۷۴	همسری برای پدرم	تحقیقات قبلی
"	سه روز مهلت	
"	بازگشت	
"	همسران	
۱۳۷۵	خاله خانم	
۱۳۷۶	وکلاهی جوان	

توضیح اینکه به دلیل تفاوت و عدم همسانی تحقیق‌های مورد مقایسه با هم، ابتدا نتایج بررسی حاضر که توسط نگارنده به عنوان یک مطالعه مقدماتی برای یک تحقیق وسیع‌تر انجام شده ذکر می‌شود و سپس در موارد قابل مقایسه با نتایج تحقیقات دیگر، مقایسه صورت خواهد گرفت.

نکته دیگری که لازم است بدان توجه شود این است که چون سریال‌های تلویزیونی ایران اغلب خانواده‌های شهری را به تصویر می‌کشند، می‌توان گفت بحث‌های ارائه شده در این مقاله بیشتر در مورد زنان و خانواده‌های شهری مصداق دارد و در مورد زنان و خانواده‌های روستایی نیاز به مطالعه جداگانه و با روشی متفاوت احساس می‌شود.

## یافته‌های پژوهشی:

## وضعیت اشتغال

در سه سریال از پنج سریال مورد بررسی زن به عنوان نقش اول داستان دارای فعالیت اجتماعی بوده است که این امر مستلزم داشتن تحصیلات در سطوح بالای دیپلم است. در «بگذار آفتاب برآید» زن نقش اول، دبیر دبیرستان است. در «تنها در تاریکی» زن نقش اول، دانشجوی کارشناسی ارشد و مشغول نوشتن پایان نامه است و مادرش در نقش دوم زن، پزشک و شاغل در یک بیمارستان دولتی است. در «روزهای زندگی» زن نقش اول داستان، مددکار اجتماعی و شاغل در یک مهدکودک است. از میان زن‌های نقش دوم نیز یک نفر کارگردان تئاتر و دانشجویست. تنها در سریال «پدرخوانده» زن نقش اول و سه زن نقش دوم خانه‌دار هستند، اگر چه در همین سریال هم یکی از سه زن نقش دوم دانشجویست و سه‌تای دیگر دیپلم دارند. در «داستان یک شهر» زن نقش اول شاعر و همکار در تهیه برنامه تلویزیونی است و اگر چه به نظر می‌رسد از تحصیلات خوبی برخوردار باشد ولی میزان آن در فیلم مشخص نشده است.

در سریال‌هایی که نقش اول آن زن می‌باشد، معمولاً زن شاغل یا دانشجویست. در سریال‌هایی نیز که نقش اول آن مرد است، باز هم نقش اول زن داستان شاغل و یا دانشجویست و تنها در یک سریال از پنج سریال زن نقش اول خانه‌دار است. همچنین در مورد زنان نقش دوم، از مجموع ۱۲ زن نقش دوم چهار نفر شاغل، دو نفر دانشجو و شش نفر دیگر خانه‌دار هستند. یعنی ۵۰٪ از زنان نقش دوم نیز یا شاغل و یا دانشجو هستند. در چهار سریال پخش شده از تلویزیون در سال ۱۳۷۴، اطلاعات پژوهشی موجود نشان می‌دهد که (صفری: ۱۳۷۴، نیشابوری، ۱۳۷۴) این سریال‌ها، همچون تحقیق حاضر، به روش تحلیل محتوی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در هر چهار سریال، زن نقش اول خانه‌دار و در نقش‌های خانوادگی مختلفی چون مادر، همسر، فرزند، نامادری و خاله ظاهر شده است. همچنین سایر زن‌های تصویر شده نیز اکثراً خانه‌دار هستند و اگر چه در مورد سطح تحصیلاتشان اشاره مستقیم نمی‌شود، ولی از قرائن و شواهد به نظر می‌رسد که معمولاً دیپلم و پایین‌تر باشند.

یک استثناء در این چهار سریال دیده می‌شود. در سریال همسران اگر چه زن نقش



اول خانه‌دار است، اما از نظر تحصیلی مدرک لیسانس دارد. ملاحظه می‌شود که می‌تواند یک روند حرکت مشخصی را به سوی وضعیت موجود سریال‌های ایرانی در حال حاضر کشف کرد. در سال ۷۴ تصویر ارائه شده از زن در سیما تصویری سنتی بود و در آن مهمترین نقش زن، نقش خانوادگی و از آن میان نقش‌های همسری و مادری بوده است. در همین سال نقش دیگری که نقش تحصیلی است مطرح می‌گردد که البته در هاله نقش‌های خانوادگی بسیار کمرنگ و ناچیز است. اما همین نقش کمرنگ مقدمه ارائه تصویر نسبتاً جدیدتری از زن می‌باشد، یعنی تصویر یک زن شاغل و تحصیلکرده که در سال ۱۳۷۶ در سریال وکلای جوان (نیشابوری، ۱۳۷۶) تحقق می‌یابد. در این سریال زن وکیلی مشاهده می‌شود که حداقل لیسانس و احتمالاً دارای مدرک بالاتری است. این روند تا آنجا ادامه می‌یابد که امروز شاهد ارائه تصویری متفاوت از زن در سیما هستیم، به طوری که حدود ۶۰٪ زنان نقش اول سریال‌های نیمه دوم سال ۷۸ شاغل، تحصیلکرده و دارای فعالیت‌های اجتماعی خارج از منزل هستند (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: وضعیت اشتغال زنان نقش اول و دوم سریال‌های مورد بررسی

جمع نقش‌های اول و دوم		نقش دوم		نقش اول		نقش
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	وضعیت اشتغال
۴۱	۷	۳۳	۴	۶۰	۳	شاغل
۱۸	۳	۱۷	۲	۲۰	۱	دانشجو
۴۱	۷	۵۰	۶	۲۰	۱	خانه‌دار
۱۰۰	۱۷	۱۰۰	۱۲	۱۰۰	۵	جمع

#### مقایسه با اطلاعات آماری موجود

داده‌های سرشماری سال ۱۳۷۵ و اطلاعات آماری سال ۱۳۷۸ نشان می‌دهد که، اگر چه میزان فعالیت زنان هنوز به میزان سال ۱۳۵۵ نرسیده است، اما روند فعالیت زنان یک سیر صعودی را طی می‌کند و از ۹/۱ درصد در سال ۷۵ به ۱۱/۷ درصد در سال

۱۳۷۸ رسیده است (سرشماری سال ۱۳۷۵ و سالنامه آماری سال ۱۳۷۸) همچنین میزان باسوادی و زنان با تحصیلات عالی براساس آمارهای موجود رو به بهبود است. یکی از بارزترین نمونه‌های افزایش میزان زنان با تحصیلات عالی درصد قبولی دختران در آزمون ورودی دانشگاه‌هاست که در سال ۱۳۷۸ بیش از نیمی از پذیرفته‌شدگان را شامل می‌شد و پس از آن نیز سیر صعودی خود را طی کرده است.

براساس این اطلاعات می‌توان گفت نقش زن در جامعه، هم در واقعیت و هم در بازتاب آن در سریال‌های تلویزیونی ایران تحت‌تأثیر دو عامل افزایش میزان فعالیت و تحصیلات زن قرار گرفته است. تأثیرات این دو عامل مسلماً در تغییر نقش‌های خانوادگی زن و مرد و تقسیم مجدد این نقش‌ها قابل مشاهده خواهد بود.

تغییراتی چون کوچک شدن حجم خانواده بر اثر کاهش تعداد فرزندان، غلبه ارتباطات شغلی و دوستانه بر ارتباطات خانوادگی و خویشاوندی و وابستگی هر چه بیشتر خانواده به نهادهای اجتماعی جدید چون مهدکودک‌ها، مدارس، آسایشگاه‌ها و مؤسسات خدماتی دیگر که امروزه بخش اعظم وظایف سنتی خانواده به آنها واگذار شده است و روز به روز در حال گسترش است، از مصادیق این تغییرات است.

رابطه میان نظر و عمل در نقش زن در خانواده

منتظر از نظر در این بحث تفکری است که در جامعه و در افکار عمومی در مورد نقش زن در خانواده و اجتماع وجود دارد. شاخص این نظر در بررسی حاضر آن چیزی است که در وسایل ارتباط جمعی و به‌خصوص تلویزیون و از طریق مضامین آشکار و پنهان در سریال‌های تلویزیونی ارائه می‌شود.

از آنجا که تلویزیون ایران یک تلویزیون دولتی است و سریال‌ها بر مبنای سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی برای پخش تصویب می‌شوند، و با توجه به اینکه برای جذب مخاطب میلیونی به ناچار سلیقه و علائق عموم مردم نیز در تهیه برنامه‌ها در نظر گرفته می‌شود می‌توان گفت سریال‌های تلویزیونی شاخص معتبری برای شناخت حوزه نظر یعنی موضع افکار عمومی از یک طرف و سیاست‌های فرهنگی مربوطه در مورد موضوعات خاص از طرف دیگر هستند.

منتظر از «عمل» نیز واقعیت‌های اجتماعی است که عملاً در جامعه وجود دارد و این

واقعیت‌ها را می‌توان با آمار و اطلاعات بیان نمود. به عنوان مثال اینکه میزان فعالیت زنان در جامعه چقدر است مربوط به حوزه عمل می‌شود، اما اینکه میزان مطلوب فعالیت و تحصیل زن چقدر است به حوزه نظر مربوط می‌گردد.

حوزه نظر معمولاً تأثیرات خود را با تعیین اهداف و انجام برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان بر حوزه عمل خواهد گذاشت و از این نظر دارای اهمیت است. همچنین تغییر در حوزه عمل می‌تواند موجب تغییر در حوزه نظر شود. اگر تغییر موافق اهداف و برنامه‌ریزی‌های انجام شده در حوزه نظر باشد، این حوزه اهداف و برنامه‌ریزی‌های بعدی را مشخص خواهد کرد. اگر تغییر در حوزه عمل مخالف اهداف و برنامه‌ریزی‌های انجام شده در حوزه نظر باشد، ممکن است اهداف و برنامه‌ریزی‌های دیگری مد نظر قرار گیرند که همگی نشان‌دهنده وجود یک رابطه متقابل میان حوزه نظر و عمل است. در این رابطه معمولاً به طور طبیعی حوزه نظر وضعیت مطلوب و ایده‌آل را به تصویر می‌کشد، در حالی که حوزه عمل نشانگر وضعیت موجود و متغیر است.

با توجه به توضیحات فوق، اگر اطلاعات سرشماری را مربوط به حوزه عمل و سریال‌های تلویزیونی را مربوط به حوزه نظر بدانیم می‌توان گفت که اگرچه در مقایسه این دو حوزه، روند واحدی، که نمایشگر تغییرات نقش زن در جامعه است، تحت تأثیر دو عامل افزایش اشتغال و تحصیل زنان، به چشم می‌خورد، اما حدت و شدت این تغییرات در حوزه نظر (سریال‌ها) و حوزه عمل (آمارهای واقعی) با هم متفاوت است. این تفاوت در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، با این توضیح که در محاسبه میزان تحصیلات عالی هم‌زنان دانشجوی و هم‌زنان شاغل با تحصیلات عالی شمارش شده‌اند.

جدول شماره ۳: مقایسه میزان فعالیت، باسوادی و تحصیلات زنان در حوزه نظر (سریال‌های مورد بررسی) و حوزه عمل (آمار سرشماری سال ۱۳۷۵)

میزان تحصیلات عالی (درصد)	میزان باسوادی (درصد)	میزان فعالیت (درصد)	
۶۰	۱۰۰	۶۰	نقش اول زن
۴۱	۹۴	۴۱	نقش اول و دوم زن
۴/۹	۷۴/۲	۹/۱	آمار واقعی

همان‌طور که ملاحظه می‌شود میزان فعالیت، میزان باسوادی و میزان تحصیلات عالی در زنان نقش اول و دوم سریال‌ها بسیار بالاتر از میزان واقعی است. این مسئله نشان‌دهنده تفاوت میان حوزه نظر و عمل است. بدین معنا که اگرچه روند افزایش میزان فعالیت، باسوادی و تحصیلات عالی زنان در هر دو حوزه نظر و عمل به چشم می‌خورد، اما تفاوت میزان‌های این دو روند نشان‌دهنده نقش برنامه‌های تلویزیونی و به‌طور خاص سریال‌های تلویزیونی در تبلیغ و ترویج ارزش‌ها و اهداف جدید است. چنانچه تأثیر این برنامه‌ها تأثیری مثبت می‌توان انتظار داشت که در آینده در حوزه عمل نیز تغییراتی حاصل شده و میزان‌های فوق در واقعیت هر چه بیشتر افزایش یابد.

مشاهده تأثیرات اشتغال و تحصیل زن در نقش خانوادگی وی در سریال‌ها

همان‌طور که گفته شد بالا رفتن میزان اشتغال و تحصیل زنان تأثیر مستقیم در ایفای نقش‌های خانوادگی و اجتماعی ایشان گذاشته و با همین واسطه نیز در ساخت خانواده تأثیر کرده و موجب تغییراتی می‌شود. در این قسمت هدف نشان دادن چگونگی این تأثیرات است. سریال‌های تلویزیونی خانوادگی از آنجا که همانند زندگی واقعی تمامی ابعاد زندگی خانوادگی و اجتماعی زنان را شامل می‌شود می‌تواند به عنوان منبع موثقی برای کشف و شناخت تغییر نقش‌ها مورد بررسی قرار گیرد. البته این مسئله باید در کنار فاصله میان نظر و عمل در نظر گرفته شود.

از طرف دیگر مدت زمانی که زن در سریال‌های تلویزیونی و همچنین در نقش‌های

خانوادگی و نقش‌های اجتماعی نشان داده می‌شود می‌تواند نمایانگر جهت‌گیری و چگونگی تغییر مطلوب در حوزه نظر باشد. در زیر، این دو موضوع به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. میزان نمایش زن در نقش‌های خانوادگی و اجتماعی: در جدول شماره ۴ به طور کلی زن در ۵۱ درصد از زمان فیلم‌های مورد بررسی حضور داشته که از این میزان ۶۵ درصد در نقش‌های خانوادگی و ۳۵ درصد در نقش‌های اجتماعی ظاهر شده است. این نکته بسیار قابل تامل است. در بخش‌های پیشین گفته شد که میزان فعالیت و تحصیلات زنان تصویر شده در سریال‌های تلویزیونی از واقعیت بسیار بیشتر است. اما برخلاف انتظار، در سریال‌ها زنان شاغل و محصل بیشتر از اینکه در نقش‌های شغلی و تحصیلی تصویر شوند در نقش‌های خانوادگی و معمولاً در محیط خانه نمایش داده شده‌اند. این موضوع نتیجه این تفکر غالب است که نقش اصلی زن، صرف‌نظر از میزان فعالیت وی در جامعه، در خانواده است. و این امر نشان می‌دهد که اگرچه روند حرکت به سوی ساخت جدید خانواده که در آن زن تحصیلکرده، شاغل و یا دارای فعالیت اجتماعی نیز شغلی است، در حوزه نظر ترویج می‌شود ولی این ترویج در تناسب با ملزومات این تغییر که همان حضور کمتر زن در خانه، تغییر نقش خانوادگی زن و مرد است قرار ندارد.

## جدول شماره ۴: توزیع زمان حضور زن در سریال‌های مورد بررسی

زمان سریال	زمان فیلم (دقیقه)	زمان حضور زن در فیلم	زمان نقش خانوادگی زن	زمان نقش اجتماعی زن
پدرخوانده	۱۶۲	۶۷ ۱۱۰	۱۰۰ ۱۱۰	- -
بگذار آفتاب برآید	۱۸۰	۲۸ ۵۰	۶۰ ۳۰	۲۰ ۲۰
داستان یک شهر	۱۸۰	۴۰ ۷۰	۳۰ ۲۲	۷۰ ۴۸
تنها در تاریکی	۱۰۵	۸۰ ۸۴	۶۳ ۵۳	۳۷ ۳۱
روزهای زندگی	۱۸۰	۵۶ ۱۰۰	۵۳ ۵۳	۲۷ ۲۷
جمع	۸۰۷	۵۱ ۲۱۴	۶۵ ۲۶۸	۳۵ ۱۴۶

همچنین تأثیری که این تغییر بر ویژگی‌های غالب شخصیتی زن می‌گذارد مورد حقلقت واقع شده است. نتیجه این عدم تناسب همان چیزی است که در عمل رخ داده و آن افزایش بار نقش برای زنان شاغل است. از زن شاغل انتظار می‌رود که فعالیت‌های داخل خانه را به طور کامل انجام دهد و نقش خانوادگی سستی خود را کاملاً ایفا کند و در عین حال انتظارات شغلی خود را نیز بر آورده ساخته و در عرصه فعالیت‌های اجتماعی حضور داشته باشد. این چیزی است که در سریال‌ها بر آن تأکید می‌شود.

این نکته به طور کلی و با توجه به میزان حضور زنان در نقش‌های خانوادگی و اجتماعی صادق است. اما اگر بررسی را به حوزه نقش‌های خانوادگی زنان تصویر شده محدود کنیم و آن را با سریال‌های سال‌های گذشته که عمدتاً زنان را تنها در نقش‌های خانوادگی نمایش می‌دادند مقایسه نمایم بهتر می‌توانیم کیفیت این تغییرات را نشان دهیم. درباره این مطلب در بخش بعدی بحث شده است.

ب. تغییر نقش زن در خانواده: برای مقایسه این تغییرات می‌توان دو عامل مشخص را بررسی نمود. این دو عامل عبارتند از مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زنان تصویر شده، و اهمیت نقش زن در جایی که نقش مرد کم‌رنگ است.

۱. مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زنان تصویر شده: ویژگی‌های شخصیتی زنان در سریال‌های بازگشت، همسری برای پدرم و سه روز مهلت به روایت محقق به شرح زیر است:

«زنان در سریال‌ها بیشتر در نقش‌های خانوادگی ملاحظه می‌شوند، گرچه در نقش‌های مادر، مادرزن، زن پدر، خواهر و یا خواهر زن از شخصیتی مثبت در ابعاد و جنبه‌های سه‌گانه فکری، اخلاقی و عاطفی برخوردار هستند، اما در نقش همسر نقشی منفی دارند، به این معنا که آنها در مقابل شوهران با فکر، منطقی و واقع بین خود که دارای حس مسئولیت، وجدان کار و وظیفه‌شناسی در نقش خانوادگی و شغلی اجتماعی هستند، قرار دارند و اما بر عکس آنها غیر منطقی، ظاهرین، بهانه‌گیر و مشکل‌آفرین هستند» (صفری، ۱۳۷۶).

همچنین خصوصیات دوزن نقش اول در سریال همسران توسط محقق مربوطه به شرح زیر بیان شده است:

«مریم (زن جوان) زنی است خانه‌دار و دیپلم. در هیچ زمینه‌ای معلومات و آگاهی خاصی ندارد، همه فعالیت‌های او به داخل منزل محدود می‌شود، در اوقات فراغتش هیچ مورد مطالعه یا فعالیت دیگری ندارد. به اصول اخلاقی و ارزش‌های خانوادگی پایبند است. شخصیتی وابسته به همسر دارد. تقریباً به همان اندازه که شاد و صمیمی است، حساس و زودرنج است و در مورد قابل توجهی عصبانی است. در زمینه رفتارهای احساسی اجتماعی (خانوادگی) با همسرش، تقریباً همانقدر که از همسرش ایراد می‌گیرد و تضاد نشان می‌دهد با او رابطه تفاهم و همدلی دارد. اما در موارد قابل توجهی فضای کشاکش و درگیری ایجاد می‌کرده و رفتارهای منفی او به نسبت بیشتر بوده است. مهین زنی است خانه دار و لیسانس که در هیچ زمینه‌ای معلومات و آگاهی ندارد. همه فعالیت او به داخل منزل و کار پذیرایی و آشپزی محدود می‌شود. در اوقات فراغتش مطالعه یا فعالیت دیگری ندارد. پرسوناژی است نه چندان سستی و مذهبی اما در مواردی بیشتر از مریم به ارزش‌های مذهبی توجه دارد. در موارد جدی وابسته به همسر است و زنی عصبانی و سلطه‌جو است. در حالی که در مواردی نیز شاد و صمیمی است. مهین در زمینه رفتارهای احساسی - اجتماعی در رابطه با همسرش بیشتر تضاد نشان

می‌داده، ایراد می‌گرفته، جرو بحث می‌کرده، فضای درگیری ایجاد می‌کرده و در موارد به نسبت کمتری تفاهم و همدلی نشان می‌داده است» (نیشابوری و دیگران، ۱۳۷۴).

همچنین در سریال خاله خانم مسائلی چون «روابط خویشاوندی بخصوص روابط والدین با فرزندان و مادر شوهر و عروس، نازا بودن عروس، فرزند آوری، ازدواج، عشق و تفاهم بین زن و شوهر به عنوان موضوع‌های محوری خانوادگی مورد توجه بوده‌اند» (ظهیری و نجفی‌اصل، ۱۳۷۵). از این موضوعات می‌توان تشخیص داد که خصوصیات زنان تصویر شده در این سریال مشابه سریال‌های قبلی باشد یعنی زنانی که محدوده دیده‌شان تنها محصور به مسائل و دعوای کرچک خانوادگی است و دید اجتماعی ندارند.

تنها در سریال وکلای جوان که سال ۱۳۷۶ پخش شده است خصایص شخصیتی زن متفاوت و شامل خصایص مثبت، منفی و معمولی و کلیشه‌ای می‌شده است. در این سریال «علاوه بر اینکه در ۴۷ درصد از صحنه‌ها زن حضور ندارد، در ۲۳ درصد از صحنه‌ها خصایص شخصیتی زن منفی، در ۱۵ درصد معمولی و کلیشه‌ای و در ۱۵ درصد صحنه‌ها مثبت است.» همچنین شخصیت نقش اول زن سریال یعنی وکیل زن که تنها در ۳۷ درصد از صحنه‌ها حضور داشته است نیز به ترتیب زیر نمایش داده شده است: «در ۲۱ درصد صحنه‌ها خصایص شخصیتی وکیل زن مشخص نبوده، در ۹ درصد خصایص شخصیتی متوسط و کلیشه‌ای و در ۷ درصد وکیل زن خصایص برجسته‌ای داشته است» (نیشابوری، ۱۳۷۶).

در یک جمع بندی می‌توان گفت خصوصیات شخصیتی زنان سریال‌های فوق به تفکرات قالبی جامعه در مورد زنان بسیار نزدیک است. در این سریال‌ها نه تنها تلاشی برای تغییر تفکرات قالبی و مثبت نشان دادن شخصیت زنان نشده است، بلکه معمولاً از ویژگی‌های سنتی و خصوصیات قالبی در جهت مخاطب جلب مخاطب بیشتر از یک طرف و دادن بعد طنز به سریال از طرف دیگر استفاده شده است.

این وضعیت در مورد سریال‌های سال ۱۳۷۸ به میزان بسیار زیادی تغییر کرده و سعی شده است خصوصیات و ویژگی‌های مثبت احساسی و عقلانی زنان بیشتر به تصویر کشیده شود. به عنوان مثال در سریال «پدر خوانده»، با وجود اینکه زن نقش اول



کماکان نقش سنتی و صرفاً خانوادگی دارد، اما با خصوصیات مثبتی چون مدیر بودن در منزل، مریی خوبی برای بچه‌ها بودن و حافظ آرامش و مصالح خانواده بودن مشخص شده است. این زن اگرچه در هیچ صحنه‌ای در بیرون از خانه مشاهده نشده است، ولی زنی آگاه، فهمیده، باشعور و دارای خصوصیات مثبت زیادی است.

در سریال «بگذار آفتاب برآید» زن نقش اول که دیر دیرستان است، فردی است بسیار مهربان، دلسوز، خیر و نیکوکار، معتقد به شغل خود و همسرش و به دلیل فعالیت شغلی از همکاری همسر در امور منزل بهره‌مند است. از طرف دیگر وی زنی است بسیار حساس و زودرنج که زود عصبانی می‌شود و از ناملایماتی که برای دیگران و برای خودش رخ می‌دهد تأثیر گرفته و ناراحت می‌شود.

در سریال «تنها در تاریکی» زن نقش اول که دانشجوی فوق لیسانس است خصوصیات مثبت زیادی دارد. بسیار فعال و دلسوز است. و در عین حال فردی است بسیار عاطفی و احساساتی و زودرنج که با کوچکترین ناملایماتی گریه می‌کند. مسائل اطراف و محیط کار بر او تأثیر می‌گذارد ولی با وجود این هنوز تأثیر بسیار مثبت خود را در فیلم به عنوان نقش اول دارد.

بالاخره در «داستان یک شهر» زن نقش اول که شاعر و همکار برنامه‌ای تلویزیونی است نقش مثبت و تعیین کننده‌ای در موفقیت برنامه دارد. وی زنی است مستقل که مخالف ازدواج و پذیرش نقش سنتی زن در خانواده است، رانندگی می‌کند، تنها به سینما می‌رود، کتاب می‌خواند، شب به تنهایی به جاهای مختلف شهر می‌رود و نمی‌ترسد، فکر ابتکاری دارد و به طور کلی آدمی متفاوت است. گویی با همه زن‌هایی که تا به حال می‌شناختیم و در تلویزیون هم دیده بودیم فرق دارد.

با وجود این وی زنی است بسیار حساس، زودرنج، دلسوز، خیر و آماده کمک به دیگران، زنی که از دیدن مشکلات و ناملایمات دیگران به قدری می‌رنجد که تمام هم خود را در جهت رفع آنها می‌گمارد تا حدی که اطرافیان و خانواده را از خود می‌رنجاند. نکته قابل توجهی که در مقایسه رفتار خانوادگی زنان سریال‌ها در گذشته و امروز وجود دارد موضوع گفتگو و توجه زنان در خانه است. در سریال‌های سال ۱۳۷۴ موضوع گفت‌وگو عمدتاً مسائلی چون ازدواج، دعوای کوچک و بزرگ خانوادگی،

روابط عروس و مادر شوهر و مسائلی از این دست بوده است. این در حالی است که در سریال‌های سال ۱۳۷۸ حتی در موافقی که زن در نقش‌های خانوادگی ظاهر می‌شود موضوع گفت و گو و توجه وی عمدتاً به مسائل اجتماعی کوچک و بزرگ است. مسائلی چون مشکلات همکاران، شاگردان، آدم‌های کرچه و بازار و یا مشکلات کلی جامعه مثل بیکاری، اعتیاد و یا مسائل اجتماعی خاص زنان می‌شود.

در یک جمع بندی می‌توان گفت زنان تصویر شده در سریال‌های مورد بررسی در سال ۱۳۷۸ از نظر خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی دارای ابعاد مثبت و مؤثری هستند. در عین حال ویژگی عاطفی بودن و حساسیت زنانه داشتن را که یکی از محورهای اساسی نگرش سنتی نسبت به زن است را نیز با خود یدک می‌کشند. در مقایسه با سریال‌های دو سال ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ می‌توان گفت برخی از خصوصیات زنان تغییر کرده و برخی دیگر هنوز پابرجاست.

در اینجا دو فرض متصور است. فرض اول این که زنان ایران در سال ۱۳۷۴ با زنان ایران در سال ۱۳۷۸ از نظر خصوصیات اخلاقی متفاوت هستند و همین مسئله نیز در سریال‌های به‌نمایش درآمده بازتاب یافته است. این فرض با توجه به تفاوت میان حوزه نظر و عمل درست نیست. به این معنا که اگرچه می‌توان تصور نمود که افزایش فعالیت اجتماعی چه از بعد اشتغال و چه از بعد تحصیلات موجب تقویت شعور اجتماعی و ویژگی‌های مثبت خانوادگی و اجتماعی زنان می‌شود، اما از نگاه جامعه‌شناختی این اتفاق در دوره زمانی حداقل ده ساله قابل بررسی و شناخت است، و هرچه دوره مطالعه طولانی‌تر باشد تغییرات اجتماعی، و در این مورد خاص، تغییر در کیفیت ایفای نقش زنان روشن‌تر خواهد بود. اما این تفاوت‌های آشکار میان خصوصیات زنان در سریال‌هایی با فاصله زمانی ۴ سال حاصل شده و نشان‌دهنده تاثیر عامل دیگری به غیر از تغییرات واقعی اجتماعی در این مورد است. این میزان تفاوت غیر واقعی است و بنابراین این نمی‌توان گفت که سریال‌ها از این نظر بازتاب جامعه زمان خود هستند.

فرض دوم این است که در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸ همواره زنانی با هر دو نوع خصوصیات اخلاقی و شخصیتی بیان شده، حضور داشته‌اند ولی بازتاب آنها در تلویزیون در سال‌های مختلف متفاوت بوده است. در اینجا بحث بر سر تغییری است که

در حوزه نظر حاصل شده است و نه تغییر اجتماعی در حوزه عمل. بدین معنا که دید افکار عمومی جامعه و همچنین دیدگاه سیاست‌گذاران فرهنگی جامعه به دلایل مختلف در مورد زن و نقش وی در خانواده و اجتماع تغییر یافته و همین تغییر دیدگاه موجب شده است که در انتخاب نقش‌های اول زن سریال‌ها ملاحظات دیگری به غیر از تفکرات قلبی و سنتی در مورد زنان در نظر گرفته شود. از آنجا که حوزه نظر می‌تواند در حوزه عمل تاثیر داشته باشد و تحولات آن را تسریع نماید، می‌توان انتظار داشت که در جامعه نیز زنان عملاً نقش‌های اجتماعی و خانوادگی متفاوتی را ایفا نمایند و ساخت خانواده نیز به تناسب همین امر متفاوت گردد.

اما نکته‌ای که توجه‌برانگیز است این است که دید سنتی نسبت به زن به عنوان موجودی عاطفی - احساسی در این دوره ثابت باقی مانده و تنها پی‌آمدهای این ویژگی زنانه در خانواده و جامعه به شیوه‌های متفاوت تصویر شده است. بدین معنا که در سریال‌های سال ۱۳۷۴، عاطفی و احساسی بودن زن موجب ناتوانی وی در فعالیت‌های اجتماعی جدی شده و زنان تنها در نقش‌های خانوادگی ظاهر می‌شدند، در حالی که در سریال‌های سال ۱۳۷۸ بعد احساسی و عاطفی زن از جنبه مثبت مطرح شده و باعث شده که زن به دلیل همین ویژگی، دید موشکافانه‌تر و بهتری نسبت به مسائل داشته و در زندگی اجتماعی نیز موفق‌تر باشد. در واقع در سریال‌های سال ۱۳۷۸ سعی شده است ویژگی احساسی و عاطفی بودن زن که به نظر پارسونز در خانواده سنتی کارکرد دارد، همچنان حفظ ولی کارکرد آن در خانواده و جامعه مدرن متفاوت شود. با این کار پاسخی نیز برای معتقدین برابری زن و مرد فراهم شده، که بر تمایزات تاکید می‌کند و در عین حال این تمایزات را نه موجب اختلاف زن و مرد، بلکه موجب تکمیل توانایی‌های هر یک توسط دیگری می‌داند. این هم نکته‌ای است که در حوزه نظر قابل بررسی است.

۲. اهمیت نقش زن در جایی که نقش مرد کم‌رنگ است: آخرین نکته‌ای که در مورد ساخت خانواده و تغییرات آن با استفاده از سریال‌های تلویزیونی مورد بررسی می‌توان گفت، اهمیت نقش زن و مرد در خانواده است. در دیدگاه سنتی مرد رئیس خانواده است و زن مدیر داخلی آن. پس تصمیم‌گیری در مورد مسائل مهم خارج از خانه به عهده مرد و

تدبیر امور داخل منزل با زن است. از این نظر اهمیت نقش مرد در خانواده و در جامعه بیشتر است و زن نسبت به مرد نقش تابعی و نه مستقل دارد. این مسئله به خوبی در تمامی سریال‌های پخش شده از تلویزیون قابل مشاهده است.

اولاً در بیشتر سریال‌ها نقش اول به مرد اختصاص دارد (جدول شماره ۲). در ۸ سریال خانوادگی در سال ۱۳۷۸ فقط نقش اول ۳ سریال زن بوده است. همچنین در ۲ سریال از ۵ سریال مورد بررسی این مقاله نقش اول زن بوده است. ثانیاً در این سریال‌ها معمولاً نقش مرد به بهای اهمیت یافتن نقش زن کمرنگ شده است. به عبارت دیگر زن و مرد به ندرت در سریال‌ها از اهمیت و نقش یکسان در زندگی برخوردار هستند. معمولاً مرد مهمترین نقش را دارد ولی در صورتی که به دلایلی از عهده انجام نقش خود بر نیاید اهمیت نقش زن به همان میزان افزایش می‌یابد.

به عنوان نمونه دو سریال «داستان یک شهر» و «تنها در تاریکی» که جنسیت نقش اول آنها زن است بررسی می‌شود. در «داستان یک شهر» زن نقش اول نه پدر دارد و نه همسر و به همین جهت نیز در بسیاری از امور زندگی که در صورت وجود پدر و همسر به آنها مراجعه می‌نموده است. مستقل عمل می‌کند. استقلال وی و نگاه متفاوتی که به زندگی دارد، به همراه عاطفی - احساسی بودن شدید اصلی‌ترین ویژگی‌های شخصیتی وی را تشکیل می‌دهند.

اگرچه در تضاد با روند داستان سریال و در همخوانی با نگاه کماکان سنتی به زن، در پایان سریال بیشتر تصمیماتی که زن نقش اول بر اساس احساسات اتخاذ کرده بود اشتباه قلمداد شد، ولی این پایان متضاد نافی شخصیت کاملاً متفاوت که به هر حال به این نقش تلویزیونی داده شده نیست. و همچنین اگرچه در نبود پدر و یا شوهر، برخی از وظایف پدری توسط دایی زن ایفا می‌شود، اما این کمک و همراهی دایی به اندازه‌ای نیست که مانع اهمیت پیدا کردن نقش خود زن شود.

در سریال «تنها در تاریکی» زن نقش اول و دوم که تقریباً به یک اندازه در داستان اهمیت دارند و مادر و دختر هستند نیز وضعیت مشابهی دارند. همسر زن و پدر دختر به علت اعتیاد در زندان به سر می‌برد و پسر وی و برادر دختر نیز در خطر ابتلاء به اعتیاد قرار دارد. با کمرنگ شدن نقش این دو مرد است که نقش مادر و دختر به عنوان قهرمانان

سریال تقویت می‌گردد.

مادر با تلاش و فعالیت زیاد موفق می‌شود که بدهی‌های کلان همسر خود را بپردازد و بدون اینکه کسی از موضوع اعتیاد وی بوی بیبرد، وی را کمک می‌کند تا پس از ترک اعتیاد در زندان و طی دوره محکومیت خود با عنوان بازگشت از سفر خارج از کشور به آغوش خانواده بازگردد. دختر نیز با تحقیق و نوشتن پایان‌نامه خود در موضوع اعتیاد موجب می‌شود که برادرش از این خطر آگاه شده و به فکر فرورود.

در سریال‌هایی که موضوع مطالعه این تحقیق نبوده‌اند نیز موارد بسیار زیادی قابل مشاهده است که این نکته را تایید می‌کند. از آنجا که تحلیل این سریال‌ها مقالی دیگر نیاز دارد تنها به ذکر نام آنها اکتفا می‌شود. «دنیای شیرین دریا»، «مادر» و «گوهر کمال» از جمله سریال‌هایی هستند که اهمیت نقش زن در آنها به بهای کاهش و کمرنگ شدن نقش مرد نشان داده شده است.

این نکته نشان می‌دهد که هنوز یک دیدگاه مشارکتی در خانواده، که بر اساس آن زن و مرد در حل مسائل و مشکلات خانواده به تناسب و به اندازه هم مؤثر هستند، در تلویزیون به وجود نیامده است. این دیدگاه که اساساً مبتنی بر اقتدار مردانه است، تنها زمانی حاضر است زن مقتدر را به نمایش بگذارد که مرد به دلایلی که ذکر شده فاقد اقتدار لازم برای بقاء خانواده باشد.

### نتیجه‌گیری

خانواده و رسانه‌ها هر دو از نهادهای مهم جامعه هستند که وظایفی خاص و تعریف شده خود را نیز دارند. اما رابطه‌ای که بین این دو نهاد مهم اجتماعی وجود دارد نیز به نوبه خود از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. به طوری که برای شناخت خانواده و خصوصیات آن در جامعه، تلویزیون، با نمایش فیلم‌ها و سریال‌های خانوادگی که مخصوص بخش در همان جامعه ساخته شده‌اند، امکانات فراوانی را در اختیار محققان قرار می‌دهد.

از طرف دیگر وسایل ارتباط جمعی نه تنها بازتاب شرایط جامعه هستند، بلکه وظیفه رهبری و هدایت فکری جامعه را نیز به عهده دارند. تلویزیون نیز به عنوان یکی از

مهمترین وسایل ارتباط جمعی، همواره مانند یکی از اعضای در خانواده حضور دارد و بر آن تأثیر گذاشته و ساخت خانواده را متحول می‌سازد. این تأثیر دو صورت متمایز دارد:

الف. با نشان دادن خانواده و ویژگی‌ها و خصوصیات آن، که شامل نقش زن و مرد در خانواده نیز می‌شود، جامعه را به خود آگاهی می‌رساند. به عبارت دیگر تغییرات واقعی ساختار خانواده و وضعیت موجود آن را نشان می‌دهد.

ب. با نشان دادن وضعیت مطلوب خانواده و ارائه پیشنهادها و راه‌حل‌های عملی، جامعه را به سوی تحول در ساختار خانواده و از جمله تحول در نقش‌های خانوادگی زن و مرد هدایت می‌کند. به عبارت دیگر تغییرات آرمانی ساختار خانواده را نمایش می‌دهد.

بنابراین تلویزیون و به خصوص فیلم‌های تولید شده برای مصرف داخلی می‌تواند یکی از منابع بسیار مهم شناخت جامعه و نهادهای آن و شناخت تغییرات اجتماعی باشد. ضمن اینکه در تحقیقاتی که سریال‌های تلویزیونی به عنوان منبع اصلی اطلاعات در نظر گرفته می‌شود، لازم است میان این دو نقش، یعنی بازتاب واقعیت بودن و هدایت جامعه به سوی تغییرات، تمایزی قائل شد.

به طور خلاصه و با توجه به سریال‌های مطالعه شده در مورد نقش زن در خانواده می‌توان به دو نکته زیر اشاره کرد:

۱. ساخت خانواده ایرانی روند تغییراتی را نشان می‌دهد. روندی که در واقعیت از آنچه در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی به تصویر کشیده شده بسیار کندتر است. از این نظر می‌توان گفت نقش رهبری و هدایتی تلویزیون در مسیری قرار گرفته است که بر اساس آن زنان به تحصیل و مشارکت اجتماعی تشویق می‌شوند. اگرچه این تشویق بدون قید نیست. و آن اینکه در برخی از نقش‌ها، خصوصیات و ویژگی‌های سنتی زن حفظ شود. بنابراین اگرچه تحصیل برخی از خصوصیات جدید اجتماعی برای زنان مورد تشویق قرار می‌گیرد، اما این ویژگی‌ها به نحوی است که یا با ویژگی‌های سنتی مورد تاکید در این رسانه موافق است و یا اینکه حداقل آنها را نفی نمی‌کند. به عنوان مثال جایی که بر تحصیل و اشتغال زن تاکید می‌شود، نگاهی جدید است، اما این نگاه، تا وقتی که تحصیل و اشتغال زن در تضاد و تعارض با ایفای نقش خانوادگی وی قرار نگیرد تأثیر

گذار است. در غیر این صورت، نگاه سنتی باز دخالت کرده و دیده می‌شود که در همین فیلم‌ها و سریال‌ها، زن به خانه نشینی و عقب‌نشینی از موقعیت‌های اجتماعی به نفع آرامش و دوام خانواده ترغیب می‌شود.

۲. یکی از ارکان مهم تغییر ساخت خانواده ایرانی تغییر نقش زن و مرد در خانواده تحت تاثیر افزایش اشتغال و تحصیل زنان است. در این تغییر نقش مقداری از وظایف داخلی منزل که به طور سنتی توسط زنان انجام می‌شده است را مردان، و یا نهادهای اجتماعی، به عهده گرفته‌اند و بعضی از وظایف و اختیارات مردان نیز در جامعه به دلیل احراز موقعیت‌های شغلی به زنان محول شده است.

این وضعیت یعنی انجام امور مردانه توسط زنان معمولاً در مراقمی صورت می‌گیرد که مردان به دلایل مختلف چون فوت، سفر، بیماری، بیکاری و حبس نقش کمرنگ‌تر در خانواده ایفا می‌کنند. در سریال‌های تلویزیونی به طور معمول نقش اول و مهمتر هنگامی به زن داده شده است که شرط بالا حاصل باشد. این بدان معناست که اگرچه دیدگاه جامعه درباره نقش‌های اجتماعی و خانوادگی زنان متحول شده است و حضور بیشتر زن در جامعه در حوزه نظر (سریال‌های تلویزیونی) ترویج و تبلیغ می‌شود، ولی همچنان نقش اول در زندگی اجتماعی و شغلی چه در جامعه و چه در خانواده را مردان ایفا می‌نمایند و این نیز مطلبی است که در حوزه نظر ترویج و تبلیغ می‌شود.

به عبارت دیگر با وجود تغییرات مهمی که در جامعه ایران در ساختار خانواده و به‌خصوص در مورد نقش زن در این ساختار به وقوع پیوسته است، اما زنان هنوز از این نظر به حمایت‌های فرهنگی که بهترین بستر آن برنامه‌های تلویزیون است دست نیافته‌اند. به همین دلیل زنان شاغل هنوز در عمل مرفق نشده‌اند که مسئولیت ملازم با اشتغال خود را به طور جدی به جامعه تفهیم نمایند. در وضعیت کنونی همواره از زنان شاغل جامعه انتظار می‌رود که در تقابلی که معمولاً میان کار و خانواده به وجود می‌آید به نفع خانواده عقب‌نشینی کنند.

همین مطلب یکی از دلایل مهم عدم حضور گسترده زنان در نقش‌های مدیریتی جامعه است. زیرا تمهد کاری این گونه نقش‌ها نسبت به سایر نقش‌های شغلی بیشتر است. در چنین مشاغلی چنانچه زن به نفع خانواده عقب‌نشینی نماید جامعه ضرر

بیشتری را تحمل خواهد کرد. بنابراین مسئولان بخش‌های مختلف همواره ترجیح می‌دهند که از مدیران و رؤسای مرد استفاده نمایند تا اینکه با انتخاب مدیر زن دغدغه استعفا و عقب‌نشینی وی و در نتیجه ایجاد وقفه در کار را تحمل نمایند.

بنابراین با توجه به فیلم‌های تلویزیونی تحلیل شده می‌توان پیش‌بینی کرد که آینده نقش خانوادگی زنان به ترتیبی که در این فیلم‌ها ترویج می‌شود تغییر کند و در عین حال نمی‌توان انتظار تغییرات تند و سریع را داشت. بستر جدید به وجود آمده در اثر این تغییرات خود زمینه‌ساز تغییرات و تحولات بعدی خواهد شد که در هر مرحله یک قدم به وضعیت مطلوب نقش زن خانواده نزدیکتر خواهد شد.

#### منابع و مأخذ:

جینکز، ویلیام. ادبیات فیلم: جایگاه سینما در علوم انسانی، ترجمه محمد تقی احمدیان، شهلا حکیمیان، تهران: سروش، ۱۳۶۴.

ساروخانی، باقر. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش، ۱۳۷۵.  
صفری، فاطمه. تحلیل سیمای زن و مرد در برنامه خانواده شبکه اول سیما (سریال‌ها و گفت‌وگوی خانواده)، مرکز مطالعات، تحقیقات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴.

ظهری، هوشنگ و مرضیه نجفی. تحلیل محتوای سریال خاله خانم (اتاق پذیرایی)، مرکز مطالعات، تحقیقات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران: بی‌تا.

نیشابوری، اختر. اعظم پنابادی، و مریم نظر. تحلیل محتوای سریال همسران، مرکز مطالعات، تحقیقات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴.  
نیشابوری، اختر. تحلیل محتوای سریال وکلای جوان، مرکز مطالعات، تحقیقات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۷۶.

سرشماری سال ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران

سالنامه آماری سال ۱۳۷۸، مرکز آمار ایران